

## فصل چهارم:

# مبانی هستی‌شناختی اقتصاد

مدرس: محمدعلی مولائی

با استفاده از کتاب مبانی فلسفی و روش‌شناسی اقتصاد نوشته محمدجواد توکلی انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

### مبانی هستی‌شناختی اقتصاد

**هدف کلی:** این فصل درصدد بیان مبانی هستی‌شناختی اقتصاد به عنوان پیش‌فرض‌های وجود‌شناسانه نهفته در نظریات اقتصادی است؛ فرض وجود‌شناسانه شامل فرض انسان‌شناختی و جهان‌شناختی است.

**اهداف رفتاری:** انتظار آن است که دانشجو پس از مطالعه این فصل بتواند توضیحی برای مطالب زیر داشته باشد:

- ماهیت و کارکرد فرض هستی‌شناختی در اقتصاد؛
- پیش‌فرض‌های هستی‌شناختی اقتصاد، مشکلات فرض هستی‌شناختی اقتصاد؛
- فردگرایی و اتمیسم، دئیسم و رویکرد تکاملی؛
- جایگاه انتخاب عقلایی در نظریات اقتصادی، لذت‌گرایی، مطلوبیت‌گرایی، نفع شخصی، ترجیحات، بیشینه‌سازی، ضعف‌های شناختی انسان، عقلانیت محدود، نقش نهاده‌ها در اقتصاد؛
- دست‌نمائی بازار، ناکارآمدی سازوکار بازار، ضرورت توجه به سازوکارهای فرا-اقتصادی؛
- ماهیت سازوکارهای اقتصادی، علیت در نظریات اقتصادی؛
- واژگان کلیدی:** هستی‌شناسی اقتصاد، انسان‌شناسی اقتصادی، انسان‌اقتصادی، عقلانیت اقتصادی، سازوکارهای اقتصادی، علیت در اقتصاد.



## ۱. مقدمه

رویکرد هستی شناختی و به بیان دقیق تر رویکرد وجود شناختی (انتولوژیک) اقتصاددانان ، نگاه آنان به جهان هستی ، انسان و خالق جهان را منعکس می کند و به تبع نظریات آنان را تحت تاثیر قرار می دهد .

تمایل اقتصاددانان به داشتن نگاهی **طبیعت گرایانه** نسبت به جهان هستی ، و نگاه **عقلانی به عاملان اقتصادی** از جمله مهم ترین رویکردهای هستی شناسانه اقتصادی است که زمینه ساز بسیاری از نظریه های اقتصادی شده است .

مبانی هستی شناختی اقتصاد شامل تمامی پیش فرض های وجود شناسانه اقتصاددانان در مورد هویت جهان هستی، منشاء آفرینش، ساز و کارهای کارکردی جهان هستی، ساز و کارهای علی و هویت وجودی انسان میشود. اقتصاددانان پیش از ورود به نظریه پردازی تلقی خاصی از جهان و منشاء آن و تحولاتش دارند.



## ۲. چیستی و قلمرو مبانی هستی شناختی اقتصاد

### مبانی هستی شناختی اقتصاد

بیان کننده **تعهدات** وجودشناسانه ای است. که **دریچه** نگاه اقتصاددانان به دنیای واقع را شکل می دهد.

این **تعهدات** ، دیدگاه ها و باورهای پایه ای ، اساسی ، و به طور عمده غیرقابل تغییری را شکل می دهند که مبنای توجیه دیگر دیدگاه های اقتصاددانان قرار می گیرند.



## ۲. چستی و قلمرو مبانی هستی شناختی اقتصاد

### پیش فرض های هستی شناختی

می توانند مرزهای دانش اقتصاد را مشخص و مبنای عضویت در جامعه اقتصاددانان قلمداد شوند.

### پذیرش در جامعه اقتصاددانان

مستلزم آن است که از زاویه « دریچه » هستی شناختی مشترک آنان به دنیا نگاه شود.

### سه فرض هستی شناسانه اقتصاد متعارف (جیمز بوکانان)

هماهنگی خودجوش بازار

عقلانیت انتخاب

اتمیسیم ( خود مختاری فردی )



این فرض چگونگی نگاه اقتصاد دانان  
به جهان را مشخص می کند.



## ۲. چستی و قلمرو مبانی هستی شناختی اقتصاد

(جیمز بوکانان) اصل هماهنگی خودجوش بازار را یکی از اصول دانش اقتصاد می داند.

یکی از ویژگی های تعهدات هستی شناختی اقتصاددانان ، مخفی و ضمنی بودن آن است.

از نظر بوکانان ، « فرایندی که طی آن افراد بین دریچه ها (ی ممکن ) انتخاب میکنند، مرموز و رازآلود است ».



جیمز بوکانان

بوکانان یکی از اهداف مطالعات هستی شناسانه را بیان آشکار دریچه های هستی شناختی اقتصاددانان و همچنین شناخت فرایند انتخاب آن می داند.

لازمه آشکار سازی این فرض این است که به جای اینکه از درون دریچه های هستی شناختی به جهان نگاه کنیم ؛ به خود این دریچه ها نظر بیندازیم .

هدف این بررسی  
آشنا کردن پژوهش گران اقتصادی با فرض هستی شناختی و کمک به انتخاب چارچوب های هستی شناختی مستدل است.

امکان انتخاب این دریچه ها مستلزم آن است که ساختارهای هستی شناختی ثابت نباشند و بتوان به دلخواه آنها را تغییر داد.



## ۲. چیستی و قلمرو مبانی هستی‌شناختی اقتصاد

در اوایل شکل‌گیری اقتصاد کلاسیک، دئیسم به عنوان رویکردی **مبدا شناختی** همراه با رویکرد طبیعت‌گرایانه زمینه‌ساز تمایل اقتصاددانان به بازار آزاد خود تنظیم‌گر شد. بعدها اقتصاددانان از دئیسم به لائیسیم (نفی خلقت و خالق) روی آورده و دیدگاه طبیعت‌گرایانه آنها تقویت شد. گسترش تحلیل‌های تکاملی در اقتصاد نهادی از جمله تبعات پذیرش پیش فرض تکاملی در هستی‌شناسی اقتصاد است.

دیدگاه‌های وجودشناسانه اقتصاددانان در مورد **انسان** نیز اهمیت زیادی دارد زیرا رویکرد بیشتر اقتصاددانان تبیین انتخاب انسان است.

اقتصاددانان به طور عمده نگاهی فردگرایانه و اتم‌وار به انسان دارند و تصویری انتزاعی از آن با عنوان انسان اقتصادی ارائه می‌کنند.

هنگامی که اقتصاددانان با تصحیح رویکرد انتزاعی خود از نظریه **عقلانیت محدود** دفاع کردند، این برداشت از انسان باعث تغییر در نظریات اقتصادی شد و زمینه ظهور **نظریات اقتصاد رفتاری** را فراهم کرد؛ نظریاتی که در آن عقلانیت انسان کامل فرض نمی‌شود.

نگاه هستی‌شناسانه اقتصاددانان به **سازوکارهای فعال** در اقتصاد بویژه رویکرد آنان به **سازوکارهای علی** نیز بر نظریات اقتصادی اثرگذار است.

اقتصاددانان کلاسیک و نئوکلاسیک با فرض دست‌نামرئی بازار به عنوان یک سازوکار فعال در اقتصاد، تحلیل‌های کارکردی خود را ارائه می‌دهند. از نظریه آنها، اگر بازار، آزاد گذاشته شود، سازوکار بازار باعث ایجاد تعادل در اقتصاد می‌شود و به دنبال آن منافع فروشندگان و خریداران تامین می‌شود. در واقع، نظم خودجوش بازار یکی از فرض‌های هستی‌شناسانه مهم اقتصاددانان کلاسیک و نئوکلاسیک است.



## ۳. از هستی‌شناسی دئیستی تا هستی‌شناسی تکامل

رویکرد هستی‌شناسانه اقتصاددانان (انگاره اقتصاددانان نسبت به مبدا خلقت) به تدریج تغییر یافته است. با شکل‌گیری اقتصاد کلاسیک، دئیسم به عنوان رویکرد الهیاتی اقتصاددانان مطرح شد. در ادامه طبیعت‌گرایی رویکرد غالب در اقتصاد متعارف شد. با قوت‌گیری اندیشه‌های داروینی در اقتصاد، انگاره هستی‌شناسی تکاملی بسیاری از نظریات اقتصادی را تحت تاثیر قرار داد.

الف. الهیات دئیستی

ب. طبیعت‌گرایی

ج. رویکرد تکاملی

از هستی‌شناسی  
دئیستی تا هستی  
شناسی تکامل



### ۳. از هستی شناسی دئیستی تا هستی شناسی تکامل

#### الف. الهیات دئیستی

**تفکر دئیستی** نخستین بار در پایان قرن شانزدهم در مسیحیت به وسیله **کالوینست ها** در انگلستان رواج یافت. واژه دئیسم به لحاظ مفهومی از قرن بیستم به بعد به طور عمده به این اندیشه ناظر است که خداوند جهان را آنچنان آفریده که به صورت خودکار به حیات خود ادامه می دهد و نیازی به دخالت خداوند ندارد. در تعبیر دئیسم ، **خداوند معمار بازنشسته است.**

یکی از پیامدهای آموزه خداشناسی دئیستی ← هماهنگی کامل مشیت الهی با سازوکارهای نظام طبیعی است.

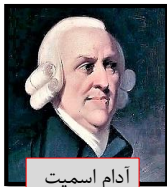
بر این مبنا ، عملکرد هر فرد و در نتیجه کل جامعه اقتصادی ، به خودی خود به گونه ای است که اراده الهی اقتضاء می کند. هنگامی که فرد نفع شخصی خود را پی می گیرد ، اراده الهی را جاری می کند و نفع جمعی را نیز رقم می زند. از این رو ، هرگونه دخالتی در این فرآیند مخالف مشیت الهی و غایت خلقت انسان است.



### ۳. از هستی شناسی دئیستی تا هستی شناسی تکامل

**دئیسم** ، از جمله مبانی موثر بر مکتب فیزیوکراسی و کلاسیک بود.

نظام طبیعی را منعکس کننده مشیت خداوند می دانستند و نتایج برخاسته از آن نیز وضعیت بهینه می پنداشتند. ← **فیزیوکرات ها**



آدام اسمیت

**آدام اسمیت** و دیگر کلاسیک ها نیز بر این باور بودند که با وجود « دست نامرئی » که در طبیعت نظم اجتماعی از سوی خدا به امانت گذاشته شده است ، نیازی به قوانین تشریحی و یا مداخله دولت ها در اقتصاد نمی باشد. این اصل تاثیر زیادی در شکل گیری اصول نظام سرمایه داری و علم اقتصاد داشته است.

تفکر دئیستی در ادامه به **سکولاریسم** و جدایی دین از همه عرصه های اجتماعی از جمله اقتصاد بدل شد.

**نقطه نهایی حذف دین از نظریات اقتصادی** ، نفی وجود خدای ساعت ساز و متوسل شدن به نظریات تکاملی داروینی است.

رویکرد تکاملی ، توجهی برای نفی خدا در هستی و تبیین چگونگی پیدایش و تحول نظام آفرینش است. پذیرش این رویکرد در اقتصاد در قالب اقتصاد نهادی و تکاملی نمودار شد.



### ۳. از هستی شناسی دئیستی تا هستی شناسی تکامل

#### ب. طبیعت گرایی

رویکرد هستی شناختی طبیعت گرایی استمرار اندیشه دئیسم در اقتصاد متعارف است. طبیعت گرایی نخست در قالب مکتب فیزیوکراسی و سپس مکتب کلاسیک وارد اقتصاد شد. فیزیوکراسی ابتدا به وسیله دکتر «کنه» و با تشبیه جریان اقتصاد در جامعه به جریان خون در بدن مطرح شد.

جزئی از نظام طبیعی



**طبیعت گرایان ،  
اقتصاد را جزئی از  
چه چیزی میدانستند؟**

تابع قوانین تغییرناپذیر آن

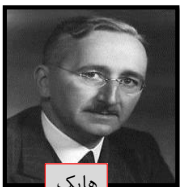
آنها به تاسی از « نیوتن» سعی داشتند جهان انسانی و جهان طبیعی را یکسان جلوه دهند. کنه مدعی شد که نفع شخصی همان نقش جاذبه را در اقتصاد ایفا می کند.

پس از طبیعت گرایی ، آدام اسمیت نیز اجتماع را همانند ماشین عظیمی می پنداشت که نفع طلبی ، میل لنگ اصلی آن است. به نظر او ، اقتصاد بدون دخالت دارای نظم طبیعی و خودجوش است و دست نامرئی طبیعت همیشه باعث تعادل خودکار در اقتصاد می شود.



### ۳. از هستی شناسی دئیستی تا هستی شناسی تکامل

این جمله اسمیت مشهور است: « جهان به خودی خود پیش می رود و در تشکیل و تنظیمش نیازی به مداخله هیچ اراده جمعی و هم داستانی قبلی افراد بشر نیست ».



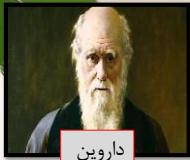
هایک

هایک از دست نامرئی طبیعت که آدام اسمیت به کار می برد ، به عنوان « نظم خود جوش » یاد می کند.

هایک آشکارا می نویسد: عدالت اجتماعی و عدالت توزیعی سرابی بیش نیست؛ زیرا عملکرد نظم های اجتماعی خود جوش امری طبیعی است و به قصد و اراده افراد بستگی ندارد؛ از این رو ، نمی توان آنها را به صفت عادلانه و یا ظالمانه بودن متصف کرد .

براساس این ، نظم حاکم بر بازار را در صورت عدم دستکاری های بیرونی مانند دخالت دولت ، نمی توان عادلانه یا ناعادلانه خواند.





داروین

### ۳. از هستی‌شناسی دئیستی تا هستی‌شناسی تکامل

#### ج. رویکرد تکاملی

اندیشه‌های تکاملی **داروین** تنها بر زیست‌شناسی تاثیرگذار نبود؛ بلکه اقتصاد را نیز تحت تاثیر قرار داد. این رویکرد به صورت خاص در اقتصاد نهادی و تکاملی ظهور یافت. نهادگرایان برای تبیین چگونگی تحول نهاده‌ها، به رویکرد تکاملی اقبال نشان دادند.

بر اساس این رویکرد، نهاده‌ها نیز درگیر نوعی تنازع بقا می‌باشند و نهادی باقی می‌ماند که بتواند در این جنگ بقا موفق‌تر باشد.

استدلال‌های نهادگرایان مبتنی بر تشبیه تعاملات اقتصادی به تعاملات زیستی و تلاش ارگانیسم‌ها برای بقا و حفظ سیطره‌ی آن‌ها می‌باشد.

در اقتصاد تکاملی، تحلیل‌های اقتصادی بر فرض تکاملی متکی است. این فرض به صورت خاص برای تحلیل تحولات نهاده‌های اقتصادی استفاده می‌شود.

انسان و ویژگی‌هایش محصول تکامل شناخته‌نشده‌ی بلکه از فرضیه تکاملی زیست‌شناختی بعنوان الگویی (ابزار یا منظری) برای تبیین پدیده‌های اقتصادی همچون رشد و توسعه اقتصادی استفاده می‌شود.



### 4. پیش‌فرض‌های هستی‌شناختی اقتصاد متعارف

سه پیش‌فرض‌های هستی‌شناسانه اقتصاد متعارف که جیمز بوکانان معرفی می‌کند.

نظم خودجوش بازار

عقلانیت

خودمختاری فردی (فردگرایی اتم‌وار)

این سه فرض را می‌توان قطعاتی از هستی‌شناسی طبیعت‌گرایانه دانست.

در این نگرش، سازوکارهای طبیعی اقتصاد محصول عملکرد انسان‌های عقلایی و نظم خودجوش بازار قلمداد می‌شود.

چنین سازوکاری به این دلیل طبیعی نامیده می‌شود که دخالتی در آن نمی‌شود.

در نظریات اقتصاد متعارف بر مطلوب بودن این سازوکار طبیعی عاری از مداخله استدلال می‌شود.

نظریه تعادل عمومی یکی از خروجی‌های هستی‌شناسی طبیعت‌گرایانه است.



#### 4. پیش فرض های هستی شناختی اقتصاد متعارف

##### الف. خودمختاری فردی (فردگرایی اتم وار)

**خودمختاری فردی** یا فردگرایی اتم وار (اتمیسیم) رویکردی غالب در نظریات اقتصادی است.

فردگرایی تنها ناظر به این نیست که تنها فرد وجود دارد (رویکرد هستی شناختی) و تنها فرد باید به عنوان عنصر اساسی در تحلیل مورد توجه قرار گیرد (رویکرد روش شناختی / معرفت شناختی)؛ بلکه نوعی نگاه هنجاری به اصالت داشتن فرد، امیال و انگیزه‌هایش نیز دارد (رویکرد اخلاقی).

طرفداران اقتصاد متعارف با پذیرش فردگرایی هستی شناختی، فرد را به عنوان موجودی اصیل می پذیرند، و کل ها را به فرد قابل تحویل می دانند.

**فردگرایی** به عنوان یک نگاه وجود شناسانه، زمینه طرح **فردگرایی روش شناختی** یا **معرفت شناختی** در اقتصاد را نیز فراهم می آورد که براساس آن، قوانین پدیده های کلان و پیچیده اقتصادی قابل تقلیل به قوانین مربوط به افراد شمرده می شود. پذیرش فردگرایی توسط اقتصاددانان نئوکلاسیک، ریشه در تمایل آنان به تدوین نظریات اقتصادی مشتمل بر قوانین جهان شمول دارد.

این درحالی است که قوانین پدیدارهای اجتماعی پیچیده را نمی توان به قوانین فردی تقلیل داد. اقتصاددانان با پذیرش فردگرایی قادر به تبیین رفتار افراد نیستند که همیشه در جامعه و از لحاظ اجتماعی مشروط به آن شکل می گیرد.



#### 4. پیش فرض های هستی شناختی اقتصاد متعارف

##### اقتصاددانان (طرفدار کل گرایی هستی شناختی)

مارکس

ویلن

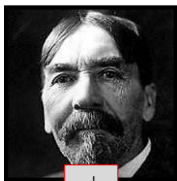
اشمولر



مارکس

اشمولر

آنها معتقدند کل از نظر وجودی فراتر از اجزای خود و دارای صفاتی غیر قابل تحویل به صفات اجزای خود میباشد. و تاثیر کل بر اعضا خود شدیدتر از تاثیر اعضا بر کل (جامعه) است. جامعه بر فرد تقدم دارد و احساس، اندیشه و عمل او را شکل می دهد.



ویلن

**پیامد روش شناختی** این اصل هستی شناختی این است: که مطالعات اجتماعی باید از نوع بالا به پایین (یا کلان به خرد) باشد.

**پیامدهای اخلاقی، سیاسی، و حقوقی** آن آشکار است: فرد باید تسلیم علایق مقدم گروه باشد و وظایف بر حقوق مسلط است.





#### 4. پیش فرض های هستی شناختی اقتصاد متعارف

منتقدان ، کل گرایی روش شناختی را رویکردی ذات گرا قلمداد می کنند که به اوصاف ماهوی اشیاء توجه دارد و به ظهور دولت های توتالیتری می انجامد . کارل ریموند پوپر از منتقدان جدی و مشهور کل گرایی روش شناختی است. پوپر معتقد است کل گرایی که در فلسفه افلاطون و هگل متجلی است به نظریه و دولت توتالیتری می انجامد.

مشکلات کل گرایی و فردگرایی باعث ظهور برخی رویکردهای ترکیبی از جمله فرد کل گرایی شده است که در آن از وابستگی متقابل ساختی فرد و بازار حمایت می شود. در این رویکرد ، این فرض که عوامل اقتصادی تنها از طریق یک واسطه فراقردی نظیر بازار ، مرتبط می شوند و هرگز با یکدیگر تماس برقرار نمی کنند ، فرضی واقعا کل گرایانه است.همانگونه که فرض استقلال متقابل عوامل اقتصادی فرضی نوعا فرد گرایانه است.

کسانی که وضعیت وابستگی متقابل ساختی فرد و بازار را می پذیرند ، ترکیبی از فروض فردگرایی و کل گرایی را پذیرفته اند ؛ اتحادی که می توان از آن به عنوان « **فرد کل گرایی** » یاد کرد.



#### 4. پیش فرض های هستی شناختی اقتصاد متعارف

##### ب. عقلانیت اقتصادی

عقلانیت اقتصادی مکمل رویکرد فردگرایی در اقتصاد متعارف است. فرد مورد مطالعه اقتصاددانان با خصلت عقلانیت اقتصادی شناخته می شود. اقتصاددانان با گسترش نظریه انتخاب عقلایی چارچوبی برای فهم و مدل سازی رفتار انسان اقتصادی ارائه می دهند. در این تحلیل رفتاری ، عقلانیت به دو مفهوم « **سازگاری در تصمیم ها** » و « **بیشینه سازی نفع شخصی** » معرفی شده است.

##### ج. نظم خود جوش بازار

این فرض ، برداشت خاص اقتصاددانان از چگونگی کارکرد سازوکارهای اقتصادی و قانونمندی های حاکم بر آن را نمایان می کند . براین اساس فرض ، تعامل افراد عقلایی در عرصه بازار آزاد باعث ایجاد نظم خودجوشی می شود که نتایج مطلوبی از جمله تامین رفاه تمامی افراد جامعه را در پی دارد.

از نگاه نهادگرایان ، عملکرد مثبت بازار مشروط به وجود ساختار نهادی مناسب است . بدون چنین ساختاری ، بازار نمی تواند دستاورد خوبی داشته باشد. گذشته از آنکه نظم خودجوش بازار در مواردی دچار شکست می شود و حضور دولت می تواند باعث اصلاح نتایج نظم بازاری شود.

از آنجا که نظم بازاری به طور عمده متکی بر سازوکار پی جویی نفع شخصی است ؛ اثر نظم های غیر بازاری متکی بر سازوکارهای اخلاقی نادیده گرفته می شود.





#### 4. پیش فرض های هستی شناختی اقتصاد متعارف

مفاهیم « نتایج ناخواسته کنش انسانی » و « نظم خودجوش » ارتباط نزدیکی با ایده **دست نامرئی** دارند.

**دست نامرئی** : نشان از نامرئی بودن فرآیندی است که باعث تجمیع کنش های پراکنده افراد می شود و باعث به وجود آمدن یک نظم اجتماعی می شود که ایجاد آن توسط افراد قصد نشده است.

در واقع ، تبیین دست نامرئی به دنبال آن است که فرآیندهایی را نشان دهد که باعث ایجاد نتایج ناخواسته حاصل از **کنش های انسانی** می شود.

**تبیین دست نامرئی** تبیین کننده ظهور یا تداوم پدیده های اجتماعی همچون نهادها و روندهای اجتماعی است که نتیجه ناخواسته کنش انسانی می باشند ؛ اما نتیجه طراحی بشر نیستند.



#### 5. نظریه انتخاب عقلایی و نقدهای آن

نظریه انتخاب عقلایی و نقدهای آن به ۴ دسته تقسیم میشود:

الف. بعد توصیفی و هنجاری عقلانیت اقتصادی

ب. برداشت های مختلف از انتخاب عقلایی

ج. شرایط سه گانه انتخاب عقلایی

د. نقدهای نظریه انتخاب عقلایی متعارف



## ۵. نظریه انتخاب عقلایی و تدهای آن

الف. بعد توصیفی و هنجاری عقلانیت اقتصادی

**عقلانیت** به این دلیل مفهومی توصیفی است که می‌گوید «عاملان اقتصادی عقلایی انتخاب می‌کنند». اقتصاددانان از مفهوم **توصیفی عقلانیت** برای تبیین و پیش‌بینی رفتار عینی افراد استفاده می‌کنند. این رویکرد حاوی دو گام تعریف رفتار عقلایی و سپس یکی دانستن رفتار واقعی و رفتار عقلایی است.

استفاده از این رویکرد در نظریه تعادل عمومی مشهود است. در این چارچوب استدلال می‌شود که هر چند رفتار واقعی می‌تواند شکل‌های مختلفی داشته باشد ولی منطقی است که فرض شود رفتارها در بیشتر مواقع عقلایی می‌باشند.

**عقلانیت**، مفهومی هنجاری نیز میباشد که می‌گوید افراد چگونه باید انتخاب کنند یا ترجیح دهند. هاسمن و مک فرسون مینویسند: عقلانیت از آن جهت هنجاری است که نوعی ایده آل رفتاری را منعکس میکند.



## ۵. نظریه انتخاب عقلایی و تدهای آن

شاید بتوان گفت که مفهوم توصیفی عقلانیت در اقتصاد اثباتی و مفهوم هنجاری آن در اقتصاد هنجاری ظاهر میشود.

**اقتصاد اثباتی**، عقلانیت را به عنوان دلیلی برای انجام رفتار در نظر می‌گیرد.

در **اقتصاد رفاه**، به عنوان اقتصادی هنجاری، از فرض عقلانیت اقتصادی، به مفهوم ارضای ترجیحات، برای استدلال بر اخلاقی بودن بازار رقابت کامل و سیاست مداخله نکردن در بازار استفاده می‌شود.

استدلال می‌شود تعادل رقابت کامل موجب بهینه پرتو میشود و بهینه پرتو بنا به اصل حداقل خیر خواهی (خوب بودن بهتر شدن وضع مردم با فرض ثبات سایر شرایط) از نظر اخلاقی مطلوب است.

لازمه این امر آن است که عمل کردن بر اساس عقلانیت اقتصادی خوب است، زیرا موجب تحقق بهینه پرتو به مثابه یک وضعیت اخلاقی مطلوب می‌شود.



## ۵. نظریه انتخاب عقلایی و تدهای آن

### ب. برداشت های مختلف از انتخاب عقلایی

آمارتیا سن بین دو رویکرد سازگاری درونی انتخاب ها ، بیشینه سازی نفع شخصی به عنوان دو جهت گیری عمده در تعریف انتخاب عقلایی تفکیک می کند . رویکرد ترجیحات آشکار سامونلسن نگاهی ترکیبی به دو رویکرد سازگاری درونی انتخاب ها و بیشینه سازی نفع شخصی دارد

### سازگاری درونی

سازگاری درونی هنگامی محقق می شود که فرد از بین مجموعه گزینه های پیشرو به شکلی مستدل ، نظام مند و سازگار با یکدیگر دست به انتخاب بزند.

معیار سازگار درونی به ۴ شرط نیاز دارد تا به صورت دو به دو (بطور عمده در قالب ترجیحات) با یکدیگر سنجیده و بهترین گزینه انتخاب شود:

اشباع ناپذیری

انعکاس پذیری

انتقال پذیری

کامل بودن



## ۵. نظریه انتخاب عقلایی و تدهای آن

۱. **کامل بودن:** فرد باید بتواند تمامی گزینه های پیش رو را به صورت دو به دو با یکدیگر بسنجد و نسبت به آن ، یکی از سه نوع داوری را داشته باشد، گزینه نخست را بر دومی ترجیح دهد ، گزینه دومی را بر اولی ترجیح دهد و یا نسبت به آن دو بی تفاوت باشد؛
۲. **انعکاس پذیری :** در شرایط مساوی ترجیحات فرد تغییر نمی کند. ترجیح گزینه الف در شرایط مساوی تغییر نمی کند ،
۳. **انتقال پذیری :** اگر فردی گزینه الف را بر گزینه ب و گزینه ب را بر گزینه ج ترجیح می دهد؛ وی باید گزینه الف را بر ج هم ترجیح دهد؛
۴. **اشباع ناپذیری :** فرد عاقل گزینه راجح را بر گزینه مرجوح برتری می دهد. به دیگر سخن، وی بیش را بر کم ترجیح می دهد .

رویکرد سازگاری درونی، در زمره نظریات عقلانیت ابزاری ( نه محتوایی ) قرار می گیرد، زیرا در این رویکرد به مشخصات هدفی پرداخته نمی شود که باید **بیشینه** شود . و انتخاب به این دلیل عقلایی تلقی میشود که فرد از بهترین ابزار برای بیشینه سازی تابع هدف، صرفنظر از محوایش استفاده میکند.



## ۵. نظریه انتخاب عقلایی و تدهای آن

### بیشینه سازی نفع شخصی

در این رویکرد، **انتخاب عقلایی** مترادف با پیگیری معقول نفع شخصی و یا بیشینه سازی نفع شخصی است. بر اساس این، تحقق انتخاب عقلایی مستلزم نسبت سنجی میان گزینه انتخاب شده و نفع شخصی فرد است.

رویکرد عقلانیت به مثابه بیشینه سازی نفع شخصی به این دلیل مشکل ساز است که تنها دنباله گیری نفع شخصی را عقلانی قلمداد می‌کند. و هر هدفی غیر آن غی عقلایی است. این تعریف از عقلانیت یعنی رفتار برخاسته از انگیزه های اخلاقی را مردود بدانیم و از خودخواهی اخلاقی دفاع کنیم.



## ۵. نظریه انتخاب عقلایی و تدهای آن

### بیشینه سازی ترجیحات

برخی اقتصاد دانان در تلاشند بین **دو** معیار سازگاری درونی و بیشینه سازی نفع شخصی تلفیق کنند .

به طور نمونه سامولسن (۱۹۸۳) با ارائه نظریه ترجیحات آشکار، سازگاری را در قالب شرط ضعیف ترجیح آشکار معنا می کند .

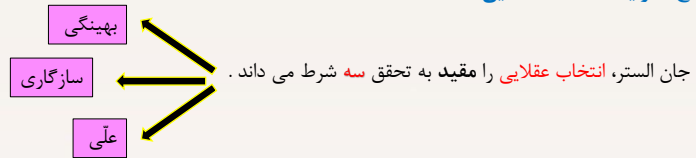
بر اساس این شرط اگر فردی از میان دو گزینه الف و ب ، گزینه الف را بر می گزیند ، آنگاه وی گزینه ب را از هیچ مجموعه ای انتخاب نخواهد کرد که مشتمل بر الف باشد . این تعریف از سازگاری مستلزم لزوم بیشینه سازی است .

اقتصاد نئو کلاسیک با پیروی از رویکرد سامولسن به تدریج از عقلانیت به مفهوم بیشینه سازی نفع شخصی، به سمت عقلانیت به مفهوم بیشینه سازی ترجیحات رفته است.



## ۵. نظریه انتخاب عقلایی و تقدای آن

ج. شرایط سه گانه عقلایی



نظریه ضعیف عقلانیت

شرایط انتخاب عقلایی به دو نظریه تقسیم می شود؛

نظریه قوی عقلانیت

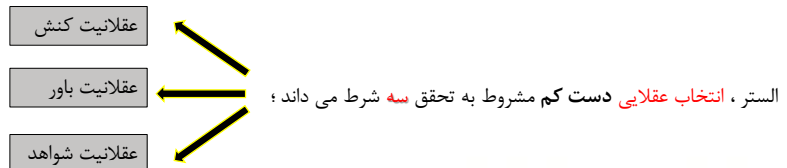


## ۵. نظریه انتخاب عقلایی و تقدای آن



در نظریه ضعیف عقلانیت، تنها به عقلانیت کنش توجه می شود و قیدی در مورد عقلانیت باورها و امیال مطرح نیست. در این نظریه، عقلانیت به تامین قید سازگاری باورها، امیال و کنش ها وابسته است.

نظریه قوی عقلانیت، تنها داشتن عمل سازگار بر اساس باورها و امیال سازگار را برای تحقق عقلانیت کافی نمی داند. در این نظریه، عقلایی بودن باورها و امیال نیز شرط می شود.



برای تبیین شرایط سه گانه مورد اشاره الستر، باید توجه کرد که نظریه تبیینی انتخاب عقلایی رفتار را بر اساس روابط سه گانه بین رفتار، وضعیت شناختی، و امیال توضیح می دهد.



### ۵. نظریه انتخاب عقلایی و تدهای آن

روابط سه گانه یاد شده باید سه دسته از شرایط بهینگی، سازگاری و علیت را تامین کند.

**شرط بهینگی** مستلزم بهینه بودن شکل گیری باورها، جمع آوری شواهد و انتخاب است

**شرط علیت** ناظر به رابطه بین امیال و باور ها از یک سو و انتخاب صورت گرفته از سوی دیگر است. تبیین انتخاب عقلایی هنگامی صادق است که امیال و باورها علت انتخاب باشند.

**شرط سازگاری** نیز مستلزم سازگار بودن باور ها و امیال تاثیر گذار بر انتخاب است

در نظریه انتخاب عقلایی به طور معمول قیدی در مورد امیال و لزوم عقلایی بودن آن مطرح نمی‌شود. به نظر دریک پارفیت (۱۹۸۴) « تمایل به چیزی که ارزش دوست داشتن نداشته باشد، عقلایی نیست ».



### ۵. نظریه انتخاب عقلایی و تدهای آن



بیشتر اقتصاد دانان، با تاکید بر ویژگی ابزارگرایانه انتخاب عقلایی، لزوم عقلایی بودن امیال را مطرح نمی‌کنند. به نظر الستر، در **تعریف میل عقلایی** دست کم باید به عنصر بهینگی توجه کرد؛ به این معنا که میلی عقلایی است که به انتخاب هایی منجر شود که مطلوبیت را بیشینه کند. اگر مردم تمایل شدیدی به امور غیر مقدور داشته باشند، چنین تمایلاتی غیر عقلایی اند؛ زیرا باعث نارضایتی آنها خواهند شد. میلی عقلایی است که به شکلی **بهینه** خود را با مجموعه گزینه های ممکن هماهنگ کند. دوم، **سازگار شدن** امیال با گزینه های ممکن باید آزادانه و آگاهانه صورت گیرد. نظر الستر، اینکه افراد در مورد **امیالشان** تحت تاثیر نیرو های ناشناخته روان شناختی باشند، نشان از **عدم عقلانیت** آنهاست وی برای بیرون راندن انتخاب های مبتنی بر هوس و ضعف اراده، لزوم وجود رابطه بین **امیال** و **رفتار** را نیز شرط می‌کند.



## ۵. نظریه انتخاب عقلایی و تدهای آن

### د. نقدهای نظریه انتخاب عقلایی متعارف

در دهه های اخیر نقد های متنوعی نسبت به نظریه انتخاب عقلایی متعارف مطرح شده است .

ناظر به عدم امکان تحقق شرایط انتخاب عقلایی است.

نقد های یاد شده

دارای دو سو است ؛

ناظر به مشکلات محتوایی نظریه است.

تعریف محدود از عقلانیت ، عدم توجه به مقوله های اخلاقی، تاثیر پذیری انتخاب ها از هنجارهای اجتماعی ناظر به نقد اول است. همچنین برخی مطالعات تجربی نیز نشان می دهد که شرایط لازم در فرض عقلانیت از جمله کامل بودن ، استقلال و انتقالی بودن ترجیحات در همه موارد اتفاق نمی افتد .

اقتصاددانان برای گریز از ارزش داوری عقلانی بودن انتخاب را به معنای انتخاب بهترین راه برای دستیابی به اهداف (تحقق امیال و یا ترجیحات فرد) ، صرف نظر از محتوای تابع هدف تعریف می کنند . این تفسیر ابزاری از عقلانیت چیزی در مورد عقلانیت تابع هدف نمی گوید . در نتیجه این تحلیل، رفتار فردی که به دنبال یافتن بهترین روش برای خودکشی است ، نیز عقلانی خواهد بود . اگر در کنار عقلانیت ابزاری ، عقلانیت محتوایی نیز مطرح شود ، انتخابی عقلایی خواهد بود که در آن هم هدف و هم ابزار انتخاب شده برای دستیابی به آن عقلانی باشد .



## ۶. تاثیر پذیری انتخاب از نهادها

بر اساس این نظریه ، نهادها باعث محدود شدن دایره انتخاب افراد می شود . از نظر ساختارگرایان ، محدودیت های نهادی پیش روی انتخاب عقلایی می تواند توانایی افراد برای انتخاب را از بین ببرد . طرفداران رویکرد هنجارهای اجتماعی از تاثیر نهاد به مفهوم هنجار بر انتخاب سخن می گویند .

نظریه تاثیر پذیری انتخاب از نهادها به ۳ دسته تقسیم می شود:

- الف. نظریه عقلانیت محدود
- ب. نظریه ساختارگرایی
- ج. نظریه هنجارهای اجتماعی





## ۶. تاثیر پذیری انتخاب از نهادها

### الف. نظریه عقلانیت محدود

نظریه عقلانیت محدود یا نظریه رضایتمندی از جمله نظریه هایی است که در آن محدودیت های انتخاب عقلایی و عدول افراد از «انتخاب بهینه» به سمت «انتخاب رضایت مند» مطرح شده است. براساس این نظریه، که نخستین بار توسط هربرت سایمون مطرح شد، مردم در پی یافتن بهترین گزینه از میان مجموعه ای از گزینه های ممکن نیستند؛ بلکه در پی انتخاب گزینه «رضایت بخش» یا «به اندازه کافی خوب» می باشند.

نقطه محوری در نظریه عقلانیت محدود توجه به محدودیت های شناختی و انگیزشی افراد در مسیر انتخاب عقلایی است.



هربرت سایمون



محدودیت در دسترسی به اطلاعات و محدودیت در پردازش اطلاعات



ماکس بازمن



به مشکل توجه محدود به اطلاعات اشاره می کند. براساس این، حتی در صورت وجود اطلاعات کامل، افراد تسلط کاملی بر اطلاعات در دسترس ندارد.



ریچارد تالر



به وجود تعارض بین لذت های آنی و منافع بلندمدت و محدودیت اراده انسان توجه کرده است. از نظر او، محدودیت اراده انسان در کنترل خود باعث می شود که افراد در مرحله تصمیم گیری، انتخابی عقلایی نداشته باشند.



## ۶. تاثیر پذیری انتخاب از نهادها

### ب. نظریه ساختارگرایی

براساس نظریه ساختارگرایی، فیود پیش روی افراد، گزینه های ممکن را به قدری محدود می کنند که در عمل جایی برای انتخاب باقی نمی ماند. انتخاب فرد به یک گزینه محدود می شود که این در عمل به معنای عدم امکان انتخاب است.

این نظریه به عنوان یک نظریه عمومی پذیرفتنی نیست. وقتی عنوان می شود که طبقه حاکم با دستکاری خارج، گزینه های پیش روی مردم را محدود می کنند، لازمه این امر آن است که آنها خودشان قدرت انتخاب دارند. همچنین یک طبقه حاکم عاقل، گزینه های ممکن را به حدی محدود می کنند که گزینه ترجیح داده شده توسط مردم همان گزینه ای باشد که طبقه حاکم از میان گزینه های محدود نشده بر می گزینند.



## ۶. تاثیر پذیری انتخاب از نهادها

### ج. نظریه هنجارهای اجتماعی

طرفداران نظریه هنجارهای اجتماعی معتقدند انتخاب افراد به جای آنکه از عقلانیت فردی نشئت بگیرد، متأثر از هنجارهای اجتماعی است.

نظریه منجمسی درباره شرایطی ارائه نشده است که در آن هنجارها مانع از اثرگذاری نفع شخصی در جهت دهی به رفتار می شوند و در نتیجه نظریه انتخاب عقلایی را با شکست روبه رو می کنند.

همان طور که تورسکی و کاهنمان گفته اند، هنجارها غالباً قدرت اثرگذاری شان را به دلیل اثر چارچوب بندی از دست می دهند.



## ۷. علّیت و گرایش های علّی در اقتصاد

برای سال ها ، اقتصاددانان تلاش می کردند از بحث آشکار در مورد علل دوری کنند ؛ زیرا ((علت)) بار معنایی متافیزیکی دارد و نمی توان آن را با تجربه مشاهده کرد.

گفته هیوم ← آنچه را ما نمی توانیم ببینیم ، نمی توانیم بدانیم و بدین دلیل ما نمی توانیم به روابط علّی علم پیدا کنیم.

تا همین اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ فیلسوفان علم از جمله کارترایت (۱۹۷۹) به تدریج پی بردند که نادیده گرفتن علّیت ، باعث اختلال در نیل به اهداف مهم علم از جمله ارائه تبیین های علمی و پیشنهاد راهبردهای موثر برای سیاست گذاری می شود. در اقتصاد نیز ، جریان به زودی تغییر کرد و استفاده از ایده های علّی در دهه ۱۹۹۰ افزایش یافت.



## ۷. علّیت و گرایش های علّی در اقتصاد

در عمل، دوری کامل از مباحث علّی ناممکن است. ♥

زبان طبیعی مورد استفاده اقتصاددانان حاوی کلمات حاکی از علّیت است. ♥

علّیت نقشی اساسی در تبیین نیز دارد. ♥

اقتصاد علمی است که به صورت ذاتی ، گرایش به سیاست گذاری دارد. ♥

اقتصاددانان برای تجزیه و تحلیل موفق سیاست گذاری ها ، باید دانش کافی در مورد علل داشته باشند. ♥  
برای نمونه، سیاست تعیین حداقل دستمزد ها متأثر از تحلیل تاثیر آن بر کاهش بیکاری است.

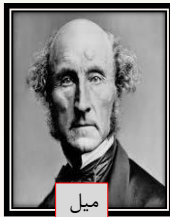


## ۷. علیّت و گرایش های علی در اقتصاد

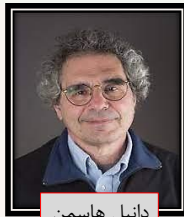
**دانیل هاسمن** با بازخوانی نظریات جان استوارت میل ، به باز تعریف رویکرد اقتصادی نسبت به سازوکارهای علی پرداخته است. بنا به استدلال هاسمن، جان استوارت میل قوانین اقتصادی را به عنوان قوانین تمایل یا گرایش قلمداد کرده است. **میل** معتقد است که ادعای علیّت در علم اقتصاد، به ندرت بیان کننده روابط جهان شمول و همه جانبه است. او برخلاف **هیوم** که مدعی است که ادعای علیّت ، ادعای ارتباط را در پی دارد، از گرایشات سخن می گوید. به نظر **میل** ، اگر ما قوانین را به عنوان توصیف کننده واقعیت قلمداد کنیم، این قوانین اشتباه می باشند. قوانین، تحت شرایط خاصی از جمله ثبات سایر شرایط صادق اند.

**قانون آهنین دستمزد**، به عنوان مثال، بیان نمی کند که دستمزد ها همواره به سوی سطح حداقل دستمزد ضروری نزدیک می شوند؛ بلکه بیان کننده این است که دستمزد ها به سوی سطح دستمزد حداقلی ضروری گرایش دارند.

**میل** باتوجه به وجود گرایش های مختلف مسئله **ترکیب علل** را مطرح می کند.



میل



دانیل هاسمن



هیوم



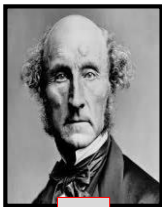
## ۷. علیّت و گرایش های علی در اقتصاد

الف. نوعی از علل می باشند.

ب. در صورت عدم وجود عوامل اخلاخ ، « اثر مشخصی » به بار می آورند.

ج. اثر آن ها بر نتایج حتی در هنگام وجود عوامل اخلاخ نیز باقی است .

در نظریه علیّت میل،  
قوانین گرایش



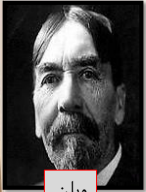
میل

از نظر **میل** (۱۸۴۳) ، «باتوجه به اینکه نتیجه تمامی قوانین علی می تواند {در اثر بروز عوامل اخلاخ } خنثی شود ، این قوانین فقط باید به صورت گزاره های مثبت گرایشی و نه گزاره های علت معلولی بیان شود».

این بدان معنا نیست که بگوییم این قوانین اشتباه بوده یا در معرض استثنا قرار دارند ؛ بلکه منظور این است که این قوانین اگر به شکل گرایش بیان شوند، درست و جهان شمول اند. هر **گرایشی** به عنوان « نیرویی » با « شدت » خاصی عمل می کند و بر نتیجه اثر می گذارد. این امر هم در مورد گرایش ها و هم عوامل مغل صادق است از این رو، باید بتوان اثر ترکیب عوامل اصلی و اخلاخ را مشخص کرد.



## ۷. علّیت و گرایش های علی در اقتصاد



وبلن

اقتصاددانان نهادی با تغییر در پیش فرض شان از علّیت، در نظر گرفتن **علّیت دو طرفه** بین نهاد و تفکیک بین **علّیت نزولی و صعودی**، پایه گذار تحلیل های جدیدی در مورد تغییرات نهادی در اقتصاد می باشند. **وبلن** (۱۹۱۹) با پذیرش علّیت دوسویه، **نهاد** ها را محصول عادت و رفتار افراد و همچنین رفتارها را تحت تاثیر نهادها می داند. در این چارچوب، از تاثیر نهادها بر رفتار انسان با عنوان **علّیت نزولی** (علّیت نزولی رو به پایین باسازنده) و از تاثیر کند رفتارها بر نهادها و در نتیجه جایگزینی نهادی به جای نهاد دیگر با عنوان **علّیت صعودی** یاد می شود.

در نظریات اقتصادی بحث از علّیت گاه در قالب سازوکار مطرح می شود. بسیاری از معلول های اقتصادی به واسطه فرآیندی پیوسته از کارکرد علل به وجود می آیند. این نگاه به علت را باید به صورت یک سازوکار درک کرد. مدل های سازوکاری تبیین علی، به اقتصاددانان کمک می کند تا ارتباط پیوسته پدیده های اقتصادی با علل ایجاد کننده آن را تبیین کنند. این مدل ها به تبیین ساختارها و فرآیند های نهفته در ورای روابط کلان اقتصادی کمک می کنند.



## ۷. علّیت و گرایش های علی در اقتصاد

در تحلیل های اقتصادی **علّیت متمایز** از همبستگی است.

**همبستگی**، درجه هم گرایی خطی بین متغیرها را بیان می کنند.

برای **سنجش همبستگی**، به طور معمول از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می شود.

بر این اساس، در **متغیر زمانی** همبستگی دارند که مشاهده مقدار یکی، اطلاعاتی در مورد مقدار احتمالی دیگری به ما بدهد.

همبستگی حاکی از علّیت نیست.

متغیری که تقدم زمانی دارد را **علت** و متغیری که تاخر زمانی دارد را **معلول** قلمداد می کنیم.

ولی مقارنه همراه با ترتب زمانی، همواره نشان از علّیت نیست. ممکن است هردو متغیر مقارن معلول متغیر سوم باشند.

**الیوت سوپر** (۱۹۸۷) در مقاله ای بحث برانگیز دو سری زمانی (تخیلی) را در نظر گرفت که یکی تغییرات قیمت نان در بریتانیا و دیگری تغییرات سطح آب دریا در ونیز را نشان می داد. این دو سری زمانی همبستگی بالایی داشتند. مشخص است که چنین مقارنه ای حاکی از علّیت نیست.



الیوت سوپر

